



چه گوارا

دفاع از دستاوردهای انقلاب

دفاع از دستاوردهائی که با مبارزه بدست آمده است .

در نتیجهی مبارزه‌ی مسلحانه‌ی طویل‌المدت انقلابی خلق کوبا ، رژیم منفور باتیستا سرنگون گردید . دیکتاتور از کشور فرار کرد . موفقیت‌های حکومت خلق کوبا در عرصه‌های اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی بسیار عظیم است . با وجود این ، می‌خواهیم در اینجا این موفقیت‌ها را تحلیل کنیم تا هر اقدامی بطور شایسته و درخور آن ارزیابی شود و عظمت انقلاب کوبا را نشان دهیم .

دفاع از دستاوردها

تا موقعی که مهمترین ابزار دستگاه قدرت رژیم منفور ، یعنی ارتش آن نابود نشده ، پیروزی بدست نیامده است . علاوه بر این ، پارتیزانها باید کلیه‌ی ارگانها و موسساتی را که رژیم کهنه بدان تکیه داشته است نابود کنند . اینست سرپای جنگ پارتیزانی . پیروزی انقلاب فقط هنگامی تامین شده تلقی میشود که در این عرصه‌به مفهوم عام کلمه و بطور همه جانبه اقدامات لازم انجام گرفته باشد . ولی

باز هم همه‌ی اینها به تنهائی کافی نیستند. در رابطه با آن باید دفاع مسلحانه از قدرت خلق که بوسیله‌ی انقلابیون استقرار یافته علیه تجاوز خارجی نیز سازمان یابد. سرآغاز چنین تجاوزاتی چنین است که "مطبوعات وزین" "خبرگزاریهای صادق" ایالات متحده‌ی آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی تلاش میکنند افکار عمومی جهان را با تبلیغات برانگیزنده و سراپا دروغ علیه کشور آزاد شده تجهیز کنند. هرچقدر اقدامات حکومت جدید که به نفع خلق انجام میگردد قاطع‌تر و پیگیرتر دنبال شود به همان اندازه نیز تبلیغات وسیع برانگیزنده و سراپا دروغ آنان با شدت بیشتری دنبال میشود. قدرت خلق برای مقابله با چنین تجاوزاتی بد یک ارتش نیرومند در هم شکننده نیازمندست. در جریان ساختمان و سازمان چنین ارتشی نباید به استروکتور (استخوانبندی) سازمانی ارتش قدیم متوسل گردید و نه به کادرهای آن. ولی خاتمه دادن به اطاعت کورکورانه، و پایان دادن به نظرات کهنه و فرسوده در مورد وظیفه‌ی نظامی، دیسیپلین نظامی و روحیه‌ی نظامیگری ارتش کهنه در یک آن و با یک حمله امکان ندارد. البته موارد منفردی میتواند وجود داشته باشد که افراد نظامی ارتش سابق که از گذشته بریده‌اند و هواداری و جانبداری آنان نسبت به امر خلق مسلم شده است در ارتش نوین پذیرفته شوند. این قبیل افراد نمیتوانند در ساختمان ارتش نوین یعنی در ارتش خلق بسیار مفید واقع شوند. ولی نباید اجازه داد که در ارتش نوین افرادی رخنه کنند که در اثر آشنائی به امور نظامی و مهارت در حرفه‌ی نظامی در برابر پارتیزانهای "بیسواد" و "نادان" ولی دلیر منضبط و پاکدل سینه سپر کرده عرض وجود کنند. در جریان ساختمان و سازمان تشکیلات ارتش نوین باید بلافاصله پس از نابودی ارتش سابق که ابزار قدرت رژیم سرنگون شده بود کلیه‌ی مواضع و مقامات مهم ارتش، بی تردید، بوسیله‌ی افراد ورزیده‌ی ارتش پارتیزانی اشغال گردد.

طبیعی است که نباید ارتش نوین خلق را کاملاً "ساده مطابق با سیستم سازمانی ارتش پارتیزانی سازمان داد. ارتش پارتیزانی در تحت شرایط جنگهای پارتیزانی سازمان یافته است و لازم است که تغییر یابد. با وجود این در این مورد باید

پرنسپ‌های رهبران جنگ پارتیزانی در ایجاد ارتش نوین مورد توجه قرار گیرد .
بیمورد نخواهد بود اگر در ساختمان ارتش نوین اشکال سازمانی منطبق با سنن
ملی نیز رعایت شود . تسلیحات خوب و مناسب نیز به همان اندازه مفید میباشد .
در این مورد نباید اشتباهی را که ما مرتکب شدیم تکرار کرد . اشتباه ما این بود
که کوشش کردیم پس از پیروزی انقلاب ، ارتش نوین را با نظام و دیسیپلین ارتش
سابق هماهنگ سازیم . این اشتباه میتواند مشکلات وخیمی پدید آورد . آری ممکن
است به برهم ریختگی کامل ارتش منجر گردد .

پس از پیروزی انقلاب باید بلافاصله برای جنگ نوین و دفاع در برابر
تجاوزات آماده شد . تدارکات در این مورد باید با تاکید بیشتری انجام گیرد .
در جریان تدارکات این امر نباید فراموش کرد که تحت تاثیر پیروزی ارتش پارتیزانی ،
هزاران نفر در آخرین لحظات جنگ به انقلاب پیوسته و وارد ارتش شده‌اند . آیا
میتوان بطور دقیق دانست که این افراد تا چه اندازه به امر انقلاب گرویده‌اند ؟
برای اینکه بتوان به سربازان جدید ارتش انقلابی اعتماد کرد ، لازم است بطور
پیگیر آنها را از نظر سیاسی و ایدئولوژی تربیت نمود و تعلیمات نظامی آنان نیز
باید مانند جنگ پارتیزانی دشوار باشد . فقط با چنین آموزش و تعلیماتی است که
ارتش خلق توانائی خواهد داشت امنیت کشور را تضمین کند .

وظیفه‌ی دیگر دشوار این است که ارتش نوین شکل صحیح سازمانی را که متناسب
و مناسب با ویژگی‌های آن باشد بیابد . قبل از هر چیز ، تاسیس ارگانی که وظیفه‌اش
سازماندهی امر آموزش سیاسی ، ایدئولوژی ارتش نوین باشد ضرورت دارد . در این
مورد باید برای سربازان که بطور عمده از دهقانان و کارگران تشکیل میشوند ، درستی
و حقانیت اقدامات انقلابی و نیز مجموعه‌ی هدفهای انقلاب بازگو و آموخته شود .
توصیه میشود که همراه با آموزش سیاسی ایدئولوژی ، دوره‌های آموزشی برای از بین
بردن بیسوادی و ارتقاء سطح دانش عمومی ارتش انقلابی نیز تشکیل گردد . این
امر کمک خواهد کرد که ارتش نوین از نظر تکنیکی به سلاحهای بهتری مجهز شود
و از نظر سیاسی ایدئولوژی نیز تربیت شده روحیه و توان رزمندگی اش ارتقاء یابد .

برای تکمیل بیشتر ارتش انقلابی همچنین میتوان دوره‌های عالی آموزشی ترتیب داد که پارتیزانهای مجرب و آزمایش شده بتوانند در این دوره‌های عالی آموزشی برای انجام مسئولیت‌های عالی‌تر و برتر در ارتش نوین تخصص یابند در عین حال میتوان همزمان با آن دوره‌های آموزشی برای همه بطور داوطلبانه و یا اجباری ترتیب داد. ولی این اقدامات به شرایط ویژه‌ی هر کشور بستگی دارد و در این مورد نسخه‌ی کامل موجود نیست.

در توضیحات بعدی، سیاستی را تشریح خواهیم کرد که ما در رابطه با خطر تجاوز بیگانگان به کوبا اتخاذ کرده‌ایم. این بررسی بر اساس اوضاع جهانی که در اواخر سال ۱۹۵۹ و آغاز سال ۱۹۶۰ وجود داشت تنظیم شده است و دشمن احتمالی ما همان دشمنی است که امکان تجاوز از طرف او وجود دارد. اگر ما در این باره سخن می‌گوئیم بخاطر این نیست که در برابر افکار عمومی سینه سپر کنیم بلکه بخاطر اینست که اهمیت آنرا برای دفاع ملی کشور خود توضیح دهیم.

تجزیه تحلیل اوضاع کنونی و آینده‌ی کوبا

انقلاب ملی ما که بر اساس انقلاب ارضی اجرا گردید و کارگران و نمایندگان خرده بورژوازی (و در لحظات آخر نمایندگان صنایع نیز) بطور اکتیو در آن شرکت کردند، نه تنها برای امریکای لاتین بلکه برای سراسر جهان اهمیت عظیمی کسب کرده است. این انقلاب بر اساس اراده‌ی خلل ناپذیر خلق کوبا و شور اشتیاق این خلق انجام گرفت. و این خلق کوبا است که باید در برابر وظایفی که انجامش بر عهده‌ی اوست از بوته‌ی آزمایش سرفراز بیرون آید.

منظور ما در اینجا این نیست که کلیه‌ی قوانینی را که تاکنون وضع کرده‌ایم، حتی بطور خلاصه توضیح دهیم، با اینکه همه‌ی این قوانین بی‌تردید با منافع و خواسته‌های خلق انطباق دارد و بسیار مهم هستند. ما می‌خواهیم در اینجا فقط برخی از این قوانین و سیر وقایع اخیر را روشن کنیم. این امر به خواننده امکان

خواهد داد که با مراقبت‌های پیوسته بیشتر دولت از خلق و با کوشش‌های دولت در راه رفع نیازمندی‌های خلق کوبا آشنا گردد .

علیرغم خواب و خیال طبقات انگل کشور ، دولت انقلابی کوبا در همان آغاز کار به یکسری اقدامات مشخص تحقق بخشید . بلافاصله قوانینی یکی پس از دیگری وضع شد که اجاره بهای مسکن و بهای انرژی برق را کاهش داد . کنترل شرکت تلفن را بدست گرفت و بهایش را کاهش داد .

آنهایی که تا این هنگام فیدل کاسترو و هم‌زمانش را یک مشت توطئه‌گر سیاسی مانند توطئه‌گران سیاسی سابق ویا دست نشاندهی قدرتهای بیگانه و خارجی تلقی میکردند و تصور میکردند که اختلاف اینها با سیاستمداران گذشته فقط ریش بلند آنهاست تازه میفهمیدند که امر جدی‌تری بوقوع پیوسته است . امری که از درون و از اعماق خلق کوبا فوران زده و به امتیازاتی که تا کنون این طبقات انگل بدست آورده‌اند خاتمه میدهد .

از این پس ، طبقات انگل زمزمه آغاز کردند و بر رهبران جنبش پیروزمند پارتیزانی مهر " کمونیستی " زدند ، تا در زیر پرچم ضد کمونیستی تمام دشمنان خلق را گرد خود جمع کنند .

قانون تقسیم زمینهایی که تا کنون به حال آیش و بایر باقی مانده بود و پس از آن قانون فروش زمینهای مزروعی به اقساط بین دهقانان ، بیش از همه نمایندگان سرمایه‌رئانی را برآشفته ، با اینکه اجرای این قانون بر ارتجاع ضربه وارد کرد با وجود این ، ارتجاع این ضربه را با بردباری تحمل کرد و تصور میکرد که اوضاع به حال سابق باقی خواهد ماند و فیدل کاسترو این جوان دیوانه بالاخره به نصایح خیرخواهانه خبرنگار روزنامه‌ی شیکاگو تریبون (دوباوا) و خبرنگار نیویورک تایمز (پورتر) گوش فرا خواهد داد و به راه صحیح " دموکراتی " باز خواهد گشت . فعلا " باید هر طور شده بطور موقت با اوضاع جدید دمساز شد تا اینکه سرانجام همه چیز به حال سابق بازگردد و آبهای رفته دوباره به جوی آید .

بجای فرا رسیدن " دوران بهتر " ، قانون رفرم ارضی فرارسید . قانونی که

ضربه‌ی سنگینی بر ارتجاع وارد کرد. حال، اکثراً " خسارت دیدگان درمی‌یافتند که سخن بر سر چیست و اوضاع از چه قرار است. درمی‌یافتند که هیچ چیز به حال سابق باز نخواهدگشت. قبل از همه سردسته‌ی ارتجاعیون گاستون باکرو به چاک زد و در نزد دیکتاتور اسپانیا برای خود پناهگاهی جستجو کرد. ولی دیگران هنوز هم امیدوار بودند که این قانون ظاهراً " مانند کشورهای دیگر بمنظور آرام کردن و گول زده توده‌های خلق وضع شده و هرگز عملی و اجرا نخواهد شد.

مولفین و مصنفین دکترین‌های اجتماعی تئوری‌های " عالیقدری " مثلاً " در باره‌ی " امور مالی خلق " بهم بافتند، به این امید که " پارتیزانهای بیسواد " به تئوری‌های آنان رو خواهند کرد و بدین ترتیب از تحقق مهمترین وظایف دگرگونی انقلابی کوبا جلوگیری خواهد شد. این تئوریسین‌های محترم در آغاز کار به " انستیتوی ملی برای رفرم ارضی " (INRA) با قیافه‌ای پدران و اندیشناک نگاه میکردند و آنرا کودک لجوجی فرض میکردند که میبایست هرطور شده به راه راست هدایتش کنند. ولی رفرم ارضی با گامهای استوار به پیشروی ادامه داد.

لاتیفوندی‌ها از بین رفتند و اصول نوین بهره‌برداری از زمین حاکم گردید. رفرم ارضی در کوبا با علائم مشخص و ویژه‌اش برای قاره‌ی ما اهمیت شایانی دارد. رفرم ارضی ماحصلت ضد فئودالی دارد زیرا با برانداختن سیستم لاتیفوندی در کوبا کلیه‌ی قرارداد دهائی رانیز که بموجب آن دهقانان ناگزیر شده بودند بهره‌ی زمین را بصورت پول نقد بپردازند پاره کرد و به دور ریخت. همچنین رفرم ارضی ما اصول وابستگی دهقان بر زمین را که تا آن موقع در مورد مهمترین تولیدات کشاورزی ما از قبیل قهوه و تنباکو وجود داشت ملغی کرد. علاوه بر همه‌ی اینها، رفرم ارضی ما علیه استثمار سرمایه‌داری دهقانان انجام گرفت. دهقانان را از زیر سرکوبی و استثمار شرکتهای انحصاری سرمایه‌داری آزاد کرد و به آنان امکان داد که بتوانند با فراغت خاطر و وجدان پاک روی زمین خود کشتکار کنند بطوری که حاصل کار و زحمتشان نصیب خودشان شود نه اینکه مانند سابق به جیب شرکتهای انحصاری سرمایه‌داری و ملاکین زمین سرازیر گردد. ویژگی رفرم ارضی ما در این

است که به دهقانان و کارگران روستا که از طریق رفرم ارضی زمین دریافت کرده‌اند از همان روز اول بوسیله کارشناسان فنی و ماشینهای کشاورزی کمکهای فنی دریافت داشته‌اند و با گرفتن اعتبارات از انستیتوی رفرم ارضی و یا از بانک دولتی کمکهای مالی نیز دریافت داشتند. همچنین اتحادیه‌ی ملی فروشگاههای خلق به دهقانان کمک‌های عظیمی میکند و به آنان یاری میرساند. بر اساس تجربیات مفیدی که از این روش در استان اورینته بدست آوردیم بلافاصله در استانهای دیگر نیز بدان پرداختیم. این فروشگاههای خلقی که دولتی است کلیه‌ی فرآورده‌ها و محصولات روستائیان را به بهای مناسب خریداری میکنند و کالاهای لازم را به آنان تحویل میدهد. این فروشگاهها پیوسته عرصه را بیش از پیش بر رباخواران و سفته‌بازان تنگ کردند.

از نقطه‌ی نظر ما، اختلاف رفرم ارضی که در کوبا انجام گرفت با رفرمهایی که در مکزیک، گواتمالا و بولیوی مطرح شد اینست که رفرم ارضی ما بی کم و کاست و بی قید و شرط مصمم شده است تا مرحله‌ی نهائی اجرا گردد.

رفرم ارضی ما با تکیه بر حقوق قانونی خلق علیه یونیتد فرویت کمپانی و کیننگ رنج و نیز علیه مالکین لاتیفوندی‌های کوبائی انجام گرفت و بهیچوجه علیه یککشور خارجی نیست. شرایط نوینی که در اثر رفرم ارضی پدید آمده سبب میشود مهمترین فرآورده‌هایی که برای کشور ما اهمیت حیاتی دارند از قبیل برنج، بقولات، پنبه بطور پیگیرتر از سابق افزایش یابد و از این طریق اساس برنامه‌های اقتصادی ما پایه‌گذاری شود. در این مورد افتخار میکنیم و کاملاً "مصمم شده‌ایم تمام آنچه را که از خلق کوبا گرفته شده به او بازدهیم. ثروت‌های نهفته در سرزمین ما که پیوسته آماج مناقشات و منازعات انحصارگران طماع بودند با وضع قانون ملی کردن صنایع نفت به خلق کوبا واگذار گردید. این قانون کهن‌ترین آرزو و خواست کوبا و نیاز حیاتی اوست که چیزی نمیخواهد جز اینکه آزاد و مالک سرزمین خود باشد و آنرا به سرزمین شکوفائی مبدل کند تا اینکه سرانجام خلق و سرزمین آزاد شده بتواند در مسیر رشد و تکاملش به هدفهای برتر و عالی‌تری دست یابد.

وضع قانون ملی کردن صنایع نفت در کوبا، سرمشقی است برای دیگر کشورهای امریکای لاتین که بتوانند خود را از زیر سلطه‌ی انحصارات خارجی آزاد کنند. به همین دلیل انحصارات نفتی دچار ترس و هول توصیف‌ناپذیری شده‌اند. هراس آنان از اینست که سرمشق کوبا می‌تواند باب روز شود، چه از دست رفتن نفت ما بخودی خود برای آنان چندان هراس‌انگیز نیست. زیرا کوبا منطقه‌ی نفت‌خیزش که ماده‌ی خام گرانبهائی می‌باشد چندان وسیع نیست. ولی امیدواریم که بتوانیم موفق شویم تمام احتیاجات نفت خام خود را از منابع داخلی نفت خود تأمین کنیم.

قانون ملی کردن صنایع نفت ما به خلقهای برادر ما در امریکای لاتین که کشورشان امروز بصورت منبع نفت در خدمت انحصارگران قرار دارد نشان داد که امکان واقعی وجود دارد از طریق چنین قوانینی برای همیشه به چپاول کشورشان بوسیله‌ی انحصارگران خاتمه دهند.

از اینرو بی‌جهت نیست که انحصارگران با نگرانی کامل به کوبا خیره شده‌اند. بالاخره این جزیره‌ی کوچک در دریای کاریب نقشه‌های مستر دالس و کمپانی یونیتد فرویت و نیز نقشه‌های انحصارات نفتی را برهم ریخت. و این ضربه‌ی جانانه درست در مرکز امپراطوری جناب روکفلر بر آنان وارد شد.

قانون ملی کردن صنایع نفت و قانون ملی کردن کلیه‌ی معادن پاسخ‌خلاق کوبا به همه‌ی آنهاست که کوشیدند با نشان دادن قدرت خود و با تهدیدات، حملات هوائی و دیگر تجاوزات و تعدیات، اراده‌ی خلق کوبا را بزانو درآورند. فرصت آن نیست که در مورد اهمیت قانون ملی کردن معادن و اهمیت قانون رفرم ارضی به مقایسه این دو باهم بپردازیم. ولی یک چیز یقین است. این قانون که چون تیری بر قلب انحصارگران اصابت کرد سبب شد بهزیستی خلق کوبا ارتقاء یابند.

ولی خلق کوبا نه تنها مالکین لاتیفوندی‌ها را از میان برداشت و نه تنها جلوی بهره‌کشی انحصارات جهانی را گرفت و با این امر سرمشق سیاست نوین برای

کشورهای امریکای لاتین شد که طنینش درهمه جا شنیده میشود بلکه علاوه بر آن ،
حصارهایی را که آژانسهای خبرگزاری جهان بر گردش کشیده بودند فرو ریخت و
حقیقت را بگوش خلقها رسانید و آنان را به اقدامات انقلابی برانگیخت . کوبای
فیدل کاسترو سمبل رهایی و استقلال ملی شد ، جزیره‌ی کوچکی که مساحتش ۱۱۴
هزار کیلومتر مربع است با ۶/۵ میلیون نفر جمعیت ، در راس مبارزات ضد امپریالیستی
قاره‌ی امریکای لاتین قرار گرفت . بدین ترتیب ، تاریخ موقعیت دلیرانه ، افتخار
آمیز و در عین حال خطرناکی به کوبا واگذار کرده است .

در قاره‌ی مستعمره‌ی امریکای لاتین با وجود کشورهایی که اقتصادشان بیشتر
رشد یافته است و در آنها سرمایه‌داری ملی با مبارزات پیوسته سختی علیه انحصارات
خارجی رشد یافته ، نقش رهبری مبارزات ضد استعماری به کوبای کوچک و آزادخواه
واگذار شد زیرا حکومت‌های این کشورها برای بدست گرفتن رهبری در این مبارزه
قاطعیت لازم را از خود نشان ندادند .

مبارزه‌ی ما آسان نیست . این مبارزه آکنده از خطر و دشواری‌هاست و ما فقط
از اینرو میتوانیم چنین مبارزه‌ای را ادامه دهیم چون خلق پشتیبان ماست ، خلقی
که با ایدآلیسم خود ، با فداکاری‌های خود و با اراده‌ی آهنین خود از انقلاب
دفاع کرده و کلیه‌ی توطئه‌های دشمنان ما را نیست و نابود خواهد کرد .

قبل از ما ، خلقهای دیگر امریکای لاتین در صف مقدم مبارزه‌ی رهاییبخش
ضد استعماری قرار داشتند . گواتمالا ، سرزمین پرنده‌ی آزادی که بدون آزادی
نمیتواند زندگی کند و اگر آنرا در قفس محبوسش کنند خواهد مرد . سرزمین
سرخپوست کبیر تکوم اومان ، بهای تلاش برای آزادی را با خون تعداد بیشماری
از بهترین وطن پرستان پرداخت . ولی سرانجام فدای تجاوز مستقیم امپریالیسم
پانکی شد .

بولیوی ، سرزمینی که موریلو ، اولین قهرمان مبارزه‌ی آزادیبخش قاره‌ی امریکا
را بمنصه‌ی ظهور رسانید . این کشور نیز از بوته‌ی این آزمون بزرگ پیروز بیرون
نیامد و سرانجام از پای درآمد .

همه‌ی این مبارزات به خلقهائی که برای رهائی خویش می‌رزمند سه آموزش عمده به ارمان آوردند .

— باید ارتش کهنه از پا درآید .

— باید رفرم ارضی اجرا گردد .

— باید کلیه‌ی منابع زیرزمینی و پالایشگاهها و تصفیه‌خانه‌ها و دیگر موسسات بمنظور بهره‌برداری از آنان ملی شود تا قدرت ارتجاع درهم شکسته شود و سلطه‌ی خلق تضمین یابد .

ما این سه آموزش را در انقلاب خود از آن خود ساختیم . ما از سرنوشت غم‌انگیز این تلاشهای رهائیبخش خلقهای امریکای لاتین آگاه بودیم . با وجود این با خاستیم و با وجود همهٔ اینها پیروز شدیم . ما با اعتقاد خلل‌ناپذیری که به آغاز دوران نوین داشتیم انقلاب کردیم . در توفان مبارزات خلقهائی که بخاطر استقلال ملی خویش می‌رزمند سیستم استعماری فرو میریزد . شکست کامل آن اجتناب‌ناپذیرست . خلقها در ورای کلیه‌ی قیود مذهبی ، سنت‌ها و آداب و رسوم و ویژگیهای نژادی ، قومی و زبانی ، دست در دست هم میدهند و در مبارزه‌ی مشترک بخاطر استقلال ملی و شکوفان ساختن اقتصاد و فرهنگشان با یکدیگر متحد میشوند . در باندوک خلقهای آسیا و آفریقا در مبارزات مشترکشان با هم متحد شدند . از طریق پشتیبانی از کوبای انقلابی خلقهای کشورهای امریکای لاتین در جرگه‌ی دوستی اتحادیه‌ی آنان وارد شده‌اند .

قدرتهای بزرگ استعماری با مبارزات خلقها ناگزیر به عقب‌نشینی هستند . بلژیک و هلند اینک چیزی جز تهمانده‌ی امپراطوری سابق خود در اختیار ندارند . آلمان و ایتالیا ناگزیر شدند که در نتیجه‌ی جنگ دوم جهانی از سرکوبی و استثمار خلقهای دیگر صرف‌نظر کنند . فرانسه ناگزیر است که جنگ کثیف استعماری خود را علیه الجزیره موقوف کند . امپراطوری استعماری بریتانیا بتدریج ولی به یقین از هم پاشیده میشود . در این مورد تلاش آنان که چندان هم ناشیانه نیست دایر بر اینکه دست‌کم در کشورهای که خود را از زیر سرکوبی سیاسی آزاد میکنند مواضع

اقتصادی خود را حفظ و نگهداری کنند ، تغییری در ماهیت امر نمیدهد .
ایالات متحدهی امریکا تلاش میکند از این موقعیت سیاسی که برای قدرتهای کهن استعماری شرم آور است به سود خود استفاده کند . ایالات متحدهی امریکا تمام نیرویش را بکار میبرد مواضع اقتصادی کشورهایی را که به استقلال سیاسی خود نائل شده اند از چنگشان خارج کند . بدین منظور ، با وسایل تبلیغاتی عظیمی خود را قدرت ضد استعماری جا میزنند و گویا فقط در نظر دارند که به کشورهای کم رشد کمک کنند . ولی البته در این جریان خواب راحت و اطمینان خاطر ندارند . مطمئن نیستند مبلغی را که خرج انواع و اقسام زدوبندهای مالی و اقتصادی میکنند تا با رخنه بر اقتصاد کشورهای آزاد شده ، این کشورها را زیر سلطهی سیاسی خود در آورند ، صرف کند .

امپریالیستهای یانکی میتوانند مانند زالوی هفت سر با این مندهای نو استعماری کشورهای ما راتا آخرین قطرهی خون بمکند ، ولی نه برای همیشه . ایالات متحدهی امریکا باید حساب کند که خلقها خرطوم هایش را یکی پس از دیگری قطع میکنند و سرانجام ضربات کشندهای بر او وارد خواهند کرد . آسیا اینک بطور اساسی دگرگون شده است . در افریقا درهم شکسته شدن نظام استعماری اجتناب ناپذیر است و امریکای لاتین جبههی مبارزهی فعالی علیه امپریالیسم و علیه کلونیالیسم سازمان داده است . در امریکای لاتین با انقلاب ما تازه امر پاره کرده یوغ استعماری آغاز شده است .

شیر درندهی انگلستان گرچه هنوز از عواقب جنگ جهانی دوم هیولای طعمه خواری خود را حفظ کرده است ولی پس از جنگ جهانی در این قارهی ما از کشورهای ما ، یکی پس از دیگری رانده شده است . ولی هرکجا که امپریالیستهای انگلیسی مجبور شدند طعمه را از دست دهند امپریالیستهای یانکی مانند شغال بدان رو آوردند و بدین ترتیب سلطهی امپریالیستی و استعماری خود را در امریکای لاتین گسترش دادند . خلقهای امریکای لاتین به بردگان استعماری انحصارات امریکای شمالی و به " اجاره نشین در خانهی خود " مبدل شدند . امپریالیستهای یانکی

بیش از همه از این امر هراسناکند که دیگر خلقهای امریکای لاتین نمونهی کوبا را در پیش گیرند و سرنوشت خویش را خود تعیین کنند. این امر به مفهوم پایان سلطهی آنان بر این کشورها و صرفنظر کردن از سود هنگفتی است که انحصارات آنان از کشورهای امریکای لاتین بیرون میکشند. این امر آنها را وادار میکند که به هر وسیله مانع آن شوند. ولی سرمشق کوبا، این سرمشق "بد" کسب شایستگی ملی و بینالمللی علیرغم همه چیز در سرتاسر امریکای لاتین گسترش مییابد و همیشه هنگامی که در یکی از این کشورهای رنج کشیده، خلق خواستار استقلال ملی و رهائی از زیر سلطهی سرکوبی و چپاول شده است فوراً "کوبا از طرف امپریالیستها مسئول آن معرفی شده است. کوبا واقعا" مقصر است و از جهاتی حتی حق بسا امپریالیستهاست. کوبا مقصر است زیرا به خلقهای امریکای لاتین نشان داده است که چگونه از طریق مبارزه‌ی مسلحانه‌ی خلق که از منطقه‌ی صعب‌العبوری آغاز شود میتوان ارتش باصلاح شکست‌ناپذیر منظم دشمن را درمانده ساخت و سرانجام از پا درآورد.

بهراستی کوبا "نمونه‌ی بسیار بدی" است. و نازمانی که این نمونه "بد" برپا بماند و خلق کوبا، علیرغم تهدیدات و مخاطرات، آینده‌ی زیبا و درخشانی برای خود بنا کند انحصارگران نمیتوانند راحت و آسوده بخوابند. از اینروست که دارودسته‌ی انحصارگران فریاد میزنند "یک چنین نمونه‌ای باید از ریشه نابود شود" و دستیاران آنان که نقاب دموکراتی بر چهره دارند در پارلمان جار میزنند "باید قاره‌ی امریکا را علیه این خطر کمونیستی بسیج کرد". و کینه‌توزتری—مدافعان تراستها و انحصارات نیز با گفتار عوام‌فریبانه با آنها همصدا شده فریاد میکشند "اوضاع در کوبا نگرانی عظیمی نزد ما بوجود آورده است".

هدف همه‌ی اینها آنست که "کوبا باید نابود شود!" اینان چه امکاناتی در اختیار دارند که این نمونه "بد" را از سر راه خود بردارند؟

یکی از این امکانات را در بایکوت و محاصره‌ی اقتصادی کوبا مشاهده میکنند. بدین منظور بانکهای ایالات متحده‌ی امریکا با محدود کردن اعتبارات بانکی به

بازرگانان و تجار کوبائی و به بانکهای کوبا از جمله بانک ملی کوبا ، دست بکار شدند . چنین تصمیماتی نیز از طرف همه کشورهای کوبائی که بوسیله ایالات متحدهی امریکا به رقص درمی آیند از جمله کشورهای اروپای غربی اتخاذ گردید . ولی تمام این اقدامات برای بزانو درآوردن کوبا کفایت نکرد .

امتناع از پرداخت اعتبارات ، به اقتصاد کوبا گرچه ضربهی سنگینی وارد کرد ولی اقتصاد کوبا دوباره روی پای خود ایستاد و بهبودی یافت . ما موفق شدیم بیلان تجارت خود را با خارج بار دیگر متعادل کنیم . ما عادت کردیم که فقط با ضروریات زندگی بسنده کنیم و با موقعیت نوین تطابق و سازگاری کنیم . البته فشار آنان کمتر نشد . رقص آنان برای شکر کوبا شروع شد ولی در این مورد نیز نتوانستند ما را به زانو درآورند . زیرا در این جریان ایالات متحدهی امریکا تیشه بر ریشهی خود زد . کوبا بزرگترین و ارزانترین فروشنده شکر به ایالات متحدهی امریکا بود . و علاوه بر آن ۶۰٪ کلیه سرمایه گذاری هائی که در تولید شکر انجام گرفته بود از امریکا بود . همچنین تجارت ایالات متحدهی امریکا با ما نیز آسیب دید چون هنگامی که ما نتوانیم چیزی به آنان بفروشیم نخواهیم توانست از آنان چیزی خریداری کنیم .

همینکه امپریالیست ها دیدند از این طریق نمیتوانند کاری انجام دهند کوشیدند از طریق پرتاب بمب ، آتش زدن مزارع وسیع نیشکر ، تولید نیشکر و شکر را در کشور ما مختل کنند . سپس به اقدامات دیگری نیز دست زدند که هدف همه آنها این بود مردم را نسبت به حکومت انقلابی بدبین کنند . آنها کشتی حامل اسلحه های را که برای ارتش پارتیزانی کوبا خریداری شده بود منفجر کردند و مزدوران خود را به کوبا ارسال داشتند تا کوبا را از داخل کلافه کنند .

+ ۱۹۵۹/۱۰/۲۱ هواپیماهای امریکائی ، هاوانا و چند کارخاندهی تصفیهی شکر را بمباران کردند . چهار روز بعد هواپیمای ورزشی امریکائی قطار راه آهن را بمباران کرد . چهارم نوامبر ۵۹ سه هواپیمای ورزشی مزارع نیشکر استان اورینته را بمباران کردند .

امپریالیستهای یانکی همچنین تلاش کردند که با بند آوردن تامین مواد خام کوبا، از قبیل پنبه، اقتصاد کوبا را تحت فشار قرار دهند ولی چون در جهان تولید اضافی پنبه وجود دارد مشکلات ما در این عرصه ناچیز و موقت بود. سپس از طریق مواد سوختی به این کوشش خود ادامه دادند. کوبا مقدار بسیار ناچیزی نفت خام تولید میکند. بنابراین تصور کردند که از این طریق میتوانند کوبا را از پادآورند. ولی ما مواد سوختنی دیگری نیز در اختیار داشتیم که با آنها توانستیم ماشینها و وسائط نقلیهی خود را به کار اندازیم. و بالاخره در جهان نفت خام به مقدار زیاد وجود دارد. مثلاً "در اتحاد جماهیر شوروی، در مصر و در عراق، پس این وسیلهی تحت فشار قرار دادن نیز بی تاثیر ماند.

در مجاورت بایکوتهای اقتصادی، امپریالیستها کوشیدند که با تجاوزات نظامی کوبا را خفه کنند. آنان این خیال را در سر پروراندند که از جمهوری دومینیک ویا از یکی از کشورهای دست نشاندهی امپریالیستهای یانکی تحریکاتی علیه ما آغاز کنند. ولی در این صورت سازمان ملل متحد که دیگر زیر سلطهی ایالات متحده امریکا نیست دست به کار خواهد شد. پس چنین تحریکاتی نیز بیفایده بودند. راهی که از طریق سازمان کشورهای امریکائی برای ایالات متحدهی امریکا باز است میتواند برای ما و برای نیروهائی که در دیگر کشورهای امریکای لاتین در تلاش رهائی هستند عواقب غیرمترقبه و وخیمی داشته باشد. انحصار گران یانکی به بهانه اینکه گویا کوبا قصد دارد بر جمهوری دومینیک تجاوز کند کوشش خواهند کرد از طریق سازمان کشورهای امریکائی این کشورها را به مداخلات نظامی علیه انقلاب کوبا برانگیزند. مایهی تاسف است که حتی حکومت ونزوئلا در این ماجرا به ما کمک نکرد تا اتهامات تریخیلو که گویا کوبا جمهوری دومینیک را تهدید میکند افشا گردد. حکومت ونزوئلا نه تنها به خلق خود بلکه به خلقهای سراسر امریکای لاتین خیانت کرد.

یکی از نقشههای خیانتکارانهی امپریالیستها قتل "جوان دیوانه" فیدل کاسترو است. فیدل کاسترو کینهی ویژهی انحصار گران را بیش از همه برانگیخته

است. علاوه بر قتل او طرح قتل دو نفر دیگر از " عمال خطرناک بین‌المللی تنظیم شده است و این دو نفر یکی رائول کاسترو و دیگری نویسنده‌ی این سطور است. این افکار و این تصورات انحصارگران را سرکیف می‌آورد. ولی شما آقایان امپریالیست خلق را از یاد نبرید. به قدرت عظیم خلق کم‌بها ندهید. در صورت انجام و ارتکاب چنین جنایاتی خشم خلق تمام آنچه را که بطور مستقیم یا غیر مستقیم در قتل رهبران انقلاب شرکت داشته باشند له و لورده خواهد کرد و هیچکس نمیتواند مانع آن شود.

+ سازمان کشورهای امریکائی به ابتکار و کارگردانی امپریالیستهای یانکی از وحدت کلیه کشورهای امریکای لاتین بوجود آمده است تا بطور مشترک علیه هر جنبش رهاییبخش دست بکار شوند. حکومت ونزوئلا که در آن هنگام بوسیله بنناکسور " مارکسیست " رهبر " آکسیون دموکراتیک " اداره میشد و با نقاب " مارکسیستی " به جنبش خلق ونزوئلا برای رهایی خیانت ورزید کوبای انقلابی و فیدل کاسترو را در این سازمان مانند امپریالیستهای یانکی و مرتجعین دیگر محکوم کرد. ونزوئلا نیز یکی از کشورهای امریکای لاتین بود که در بایکوت کوبا شرکت جست.

از نقشه‌های دیگر تجاوزکارانه‌ی انحصارگران، کپی‌گواتمالاتی است. ولی در این مورد فراموش کرده‌اند که در این میان در دنیا دگرگونی‌هایی پدید آمده است. این امکان نیز وجود دارد که کوشش کنند تامین اسلحه‌ی کوبا را بند آورند. در اینصورت ناگزیر خواهیم شد اسلحه‌های لازم را از کشورهای کمونیستی بدست آوریم که البته دریائی از تحریفات کثیف و افتراآمیز در پی خواهد داشت. در این رابطه یکی از اعضاء حکومت ما ابراز داشت " محتملا " آنان علیه ما همچون علیه " کمونیست‌ها " حمله‌ور خواهند شد ولی نخواهند توانست ما را همچون ابلهان و احمق‌ها از پا در آورند.

ما حساب همه چیز را کرده‌ایم و علیه تمام امکانات تدارکات لازم را می‌بینیم. ما می‌دانیم که انحصارگران نقشه‌ی تجاوز مستقیم به کشور ما را مطرح می‌کنند. برای چنین تجاوزی آنها ترجیح می‌دهند که عناصر ضد انقلابی که از وطن رانده

شده‌اند به مثابه‌ی داوطلبانی که بوسیله‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا تعلیم یافته و تجهیز شده‌اند استفاده کنند. یعنی از مزدوران ایالات متحده‌ی آمریکا، و اینکه ایالات متحده‌ی آمریکا کوشش خواهد کرد چنین تجاوزی را از طریق پشتیبانی نیروی دریائی و نیروی هوائی خود البته به نام صلح - به پیروزی هدایت کند چون روز روشن است.

نقشه‌ی دیگر آنان اینست که از طریق تجاوز مستقیم یکی از کشورهای دست - نشانده مثلاً "بوسیله‌ی جمهوری دومینیک جنگی برافروزند، سپس همینکه چنین جنگی برافروخته شد، ایالات متحده‌ی آمریکا بطور یقین با تاسف ابراز خواهد داشت که ذره‌ای مایل نیست در این جنگ داخلی " فلاکت بار " دخالت کند و فقط مایلست و می خواهد مواظب باشد که آتش جنگ از حدود مشخصی تجاوز نکند، سپس با کشتی‌های جنگی، با ناوهای هواپیمابر، با ناوشکن و زیر دریائی‌های خود بامین گذاری‌ها و غیره کوشش خواهد کرد فضای هوائی و دریائی را در همان منطقه کنترل و محاصره کند. با این عملیات " این مدافعین سرسخت صلح " در قاره‌ی آمریکا تلاش خواهند کرد که از عبور حتی یک کشتی که محمولاتش برای کوبا ارسال شده است جلوگیری کنند. بر عکس همین " مدافعین سرسخت صلح " هنگام عبور کشتی‌هایی که عازم کشور دست نشانده است که برای جنگ و تجاوز مورد استفاده‌ی خود آنها قرار گرفته است - نه تنها یک چشم بلکه هر دو چشمشان را خواهند بست و حتی کشتی‌های خود را بعنوان محافظ به بدرقه‌ی آنها خواهد فرستاد، امکان این نیز هست که از طریق یک ارگان " قضائی " بین المللی به کمک

چنین تجاوزی که خودشان برانگیخته‌اند بشتابند. در اینصورت استدلال خواهند کرد که از این طریق می خواهند به این " جنگ بی معنی " پایان دهند و مانع گسترش " خطر کمونیسم " شوند. هرگاه این ارگان " قضائی " بین المللی - آنطور که ایالات متحده آمریکا مایلست کاری از پیش نبرد در اینصورت دخالت مستقیم " مدافع سرسخت صلح " را در پی خواهد داشت. و دلیل آن هم محافظت منافع اتباع امریکائی خواهد بود. این همان کپیه‌ی تجاوز آمریکا به کشور کوره خواهد بود.

یکی از امکانات دیگر آنست که اولین قدم تجاوز بطور مستقیم علیه ما انجام نگیرد بلکه مثلا "ابتدا علیه تلاشهای رهایی بخش خلق ونزوئلا انجام گیرد تا بدین ترتیب از گسترش جنبش انقلابی در قاره‌ی امریکای لاتین جلوگیری کنند . درچنین موردی کاملا "امکان آن هست که مرکز مبارزه علیه استعمار از کوبا به وطن سیمون بولیوار کبیر انتقال یابد . ما اطمینان کامل داریم که خلق ونزوئلا با تمام انرژی خود برای دفاع از آزادی خویش خواهد جنگید زیرا میدانند که شکست اودر این مبارزه به سلطه‌ی دیکتاتوری و سرکوبی تیره و تاری منجر خواهد شد ولسی پیروزی اش در این مبارزه ، آینده تابناکی برای امریکای لاتین به ارمغان می آورد . هر چه پیش می آید . در هر حال مبارزه‌ی خلقها بخاطر کسب استقلال خود در کشورهای برادر ما که زیر یوغ انحصارگران رنج می برند امپریالیستها را راحت نخواهد گذاشت و به عقب نشینی وادار خواهد کرد .

تمام فاکتورها دال بر آنند که دشمن خلقهای ما باید منکوب و مغلوب شود . از این فاکتورها توجه به دو فاکتور مخصوصا " اهمیت دارد :

سال ۱۹۶۰ سال رهایی بود . سالی بود که تعداد زیادی از کشورهای مستعمره و وابسته که رشد اقتصادی اندکی داشتند - آزاد شدند . میلیون‌ها نفر سکنه که از زیر سایه‌ی "خوشبختی" سلطه‌ی امپریالیستها و انحصارگران طماع سودجوئی که خونشان را می مکیدند رها شدند . سقوط امپریالیسم و کلونیالیسم در سالهای آینده امری اجتناب ناپذیرست .

فاکتور دوم اینکه می دانیم در لحظات خطیر ، شش میلیون کوبائی مردانه اسلحه‌بدست خواهند گرفت تا از وطن خود و از انقلاب خود دفاع کنند . ارتش انقلابی ما در این جنگ به تعداد میلیون‌ها نفر ارتقاء می یابد . سراسر کوبا عرضهی پیکار منحصر به فردی خواهد شد که ارتش انقلابی فقط بخشی از خلق مسلح می باشد .

هرگاه ارتش منظم انقلابی کوبا در چنین جنگی با دشمن نیرومندتر رو به‌رو شود و سرانجام شکست خورد در اینصورت صدها واحد پارتیزانی پدید خواهد آمد

که از طریق سرفرماندهی مرکزی با یکدیگر رابطه یافته و در سراسر کشور خواهد جنگید. در شهرها کارگران ما تا آخرین نفس برای محافظت کارخانجات و کارگاههای خود خواهند جنگید و در مناطق روستائی در پس هر درخت و در هر وجب زمینی که دهقانان از انقلاب دریافت کرده‌اند مرگ در انتظار و در کمین متجاوزین خواهد بود.

در کلیه کشورهای جهان میلیون‌ها انسان علیه چنین تجاوزی اعتراض خواهند کرد. و سرانجام امپریالیستهای متجاوز ناگزیر به عقب نشینی خواهند شد. پایه‌های پوسیده‌ی استعمار فرو خواهد ریخت. خشم خلقها مزدوران استعمار را درو خواهد کرد و پرده‌ی دروغ و افتراشی که بوسیله مطبوعات خودفروش برچنین جنگی گسترده شده پاره خواهد شد.

فرض کنیم که انحصارگران با وجود این جرات و جسارت کنند که خشم خلقها را برانگیخته و به کشور ما حمله‌ور شوند. در اینصورت چه امری بوقوع خواهد پیوست و اوضاع در کشور ما چگونه خواهد شد؟ با توجه به این واقعیت که جزیره‌ی ما به سهولت آسیب‌پذیر است، نیروی هوائی و دریائی ما هنوز ضعیف است، برای دفاع از کشور جنبش پارتیزانی نقش قاطعی بر عهده خواهد داشت.

نیروهای مسلح منظم زمینی ما همانند قهرمانان انقلاب کوبا دلیرانه، سرسختانه و با شور و شوق خواهند جنگید. ما کلیه اقدامات لازم را برای موقعی که ارتش منظم ما بوسیله نیروهای نیرومندتر دشمن مغلوب شوند تدارک خواهیم دید تا بتوانند به جنگ ادامه دهند. در اینصورت ارتش منظم ما به شکل ارتش پارتیزانی به جنگ ادامه خواهد داد. خصوصیات این جنگ تحرک بیشتر، احساس مسئولیت آگاهانه‌تر و رفتار خود مختارتر فرماندهان واحدهای پارتیزانی می‌باشد. واحدهای پارتیزانی بوسیله سرفرماندهی مرکزی که در نقطه‌ی مناسبی از کشور قرار گرفته است وظایف خویش را طبق نقشه‌ی استراتژیک انجام خواهد داد.

آخرین سنگرهای دفاعی ارتش انقلابی ما، که پیشاهنگ مسلح و سازمان یافته‌ی خلق ماست کوهستان‌های وطن ما خواهند بود. دشمن برای تصرف هر دهکده، هر

خانه و هر وجب زمین خاک وطن ما باید در پیکاری خونین و سرسختانه درگیر شود . دشمن باید علیه یک ارتش انقلابی که نیروهای ذخیره اش سراسر خلق ماست و متناسب با آن مسلح شده است بجنگد . چون واحدهای پیاده نظام ارتش ما به سلاحهای سنگین مسلح نیستند ، فرماندهان واحدهای پیاده نظام ارتش انقلابی ما باید به سازماندهی امور دفاعی علیه تانک و نیروی هوائی توجه کنند . در چنین پیکاری - بااستثناء چند خمپاره انداز - سلاحهای دیگر موثری که در اختیار داریم کافی نیست . مثلاً " اسلحهی ضد تانک ، خمپاره اندازهای ضد تانک ، توپهای ضد هوائی اتوماتیک و انواع مینها کفایت نمی کند . بی تردید سربازان مجرب و کارآزموده ما در مصرف مهمات این سلاحهای اتوماتیک صرفه جوئی زیاد خواهند کرد زیرا از ارزش هر گلوله اطلاع کافی دارند .

کارگاهها و تعمیرگاههای سیار صحرائی ، واحدهای ارتش انقلابی ما را در جنگ بدرقه خواهند کرد تا بتوانند سلاحها را تعمیر کنند و در دشوارترین شرایط حتی مهمات واحد خود را نیز تامین کنند .

نیروی هوائی ما در آغاز حملهی تجاوزی دشمن تلفات سنگینی خواهد داشت . این فرض بر مبنای آنست که بوسیلهی قدرت خارجی بسیار نیرومندی مورد حمله قرار گیریم و یا اینکه قوای مزدور یکی از کشورهای کوچک دست نشانده بطور مخفی و یا آشکار بوسیلهی قدرت بزرگ پشتیبانی شوند . در اینصورت احتمال می رود که نیروی هوائی ما نابود شود و یا تقریباً " نابود شود . با وجود این ، توجه خواهیم کرد که در اینصورت هواپیماهای اکتشافی و بیش از همه هلیکوپتر در اختیار داشته باشیم که بتوانیم در موارد مختلف آنها را بکار بریم .

سازماندهی نیروی دریائی مناسب با همین نقشهی استراتژی انجام خواهد گرفت . قایقهای جنگی سریع السیر که دشمن نتواند به سهولت بر آنها دست یابد در نقاطی بر دشمن ضربه وارد می کنند که در آن نقاط کمتر از هر جا انتظارش را دارد . در مورد نیروی دریائی نیز مانند موارد بالا که چند نمونه را ذکر کردیم باید چنان سازمان یابد که بتواند ضرباتش را متوجه آن کند . دشمن در هیچ کجا

جبهه جنگ مشخصی نخواهد یافت . دشمن پیوسته با نیروئی نامرئی ، کاملاً " متحرک و چالاکي که نمی تواند به چنگ آورد ولی بر او ضربه وارد می کند روبرو خواهد شد . نیروهای منظم ارتش ما برای موقعی که در جنگ منظم شکست خورد تعلیمات ویژه ای می یابند تا بتوانند پس از این شکست نیز به جنگ ادامه دهند . در این صورت ارتش شکست خورده ای ما با دو طبقه ی نیرومند اهالی کشور - دهقانان و کارگران - ارتش مسلح خلق را تشکیل می دهند . هنگامی که دهقانان ما ضد انقلابیون مهاجمی را که در منطقه پیناردل ریو به آتش سوزی مزارع نیشکر پرداختند محاصره و تار و مار کردند نشان دادند که چه استعدادی دارند . اکثریت دهقانان برای چنین جنگی در همان محل اقامت خودشان تعلیمات نظامی فرا می گیرند . ولی فرماندهان گروه های چریکی دهقانان و افسران ارشد واحدهای پارتیزانی ما در آموزشگاه های نظامی ما دوره های تعلیماتی و کارآموزی شایسته ای فرا می گیرند . سپس به سسی منطقه روستائی کشور ما ارسال می شوند تا در آن مناطق مبارزه مسلحانه دهقانان را سازمان دهند . این ارتش تا آخرین نفس از سرزمین ما دفاع خواهد کرد . برای دستاوردهای اجتماعی ما ، برای خانه و مسکن ما ، برای کانالها و سدهای نوین ما ، برای محصولات سرشار و غنی ما و برای استقلال وطن خواهد جنگید . شیوه این جنگ این ارتش متناسب با موقعیت آنها خواهد بود . مثلاً " دهقانان در روز سرزمین خویش را کشتکار خواهند کرد و شبانگاه پارتیزانهای مخوفی علیه متجاوزین مداخله گران خواهند بود .

کارگران ما نیز با همین روش خواهند جنگید . به مهمترین کارگران نیز تعلیمات نظامی را فرامی گیرند . آنان در راس رفقای خود و پیشاپیش آنان قرار گرفته در برابر دشمن سرسختانه دفاع خواهند کرد .

وظایفی که این یا آن قشر اهالی کشور ما در این جنگ بر عهده خواهند داشت گوناگون است . دهقانان به جنگ پارتیزانی کلاسیک خواهند پرداخت . از اینرو باید دهقان تیرانداز ماهری باشد . او باید بیاموزد که با منطقه سازگار شود . غافلگیرانه حمله ور شود و فوراً " عقب نشینی کند . کارگران در موقعیت ویژه ای که

امتیاز بیشتری در این جنگ دارد قرار دارند . کارگر در داخل یک شهر مدرن بسر می برد و از این امتیاز برخوردار است که شهر استحکام نیرومندی برایش محسوب می شود . ولی جنگ منظم در شهر مشکلاتی نیز بهمراه دارد . کارگر باید قبل از هر چیز بیاموزد چگونه و در کجای شهر سنگربندی کند . بدین منظور باید بتواند تا آنجا که امکان دارد وسایط حمل و نقل ، اثاثیه خانگی و اشیاء دیگر را بکار برد . لازم است که هر محله‌ی شهر را به استحکامی مبدل ساخت که راههای ارتباطی ویژه‌ای بخش‌ها را به هم مربوط کند . کارگر باید از اسلحه‌های دفاعی موثری مانند بطری مملو از مواد سوختی - که شرح آنرا قبلاً " دادیم - بتواند استفاده کند .

کارگر باید در موقعیتی باشد که از پنجره و سنگربندی‌ها بطور دقیقی بتواند تیراندازی کند . کارگران مسلح ، گروههای پلیس و ارتش مسلحی که از شهر دفاع می کنند مجموعاً " ارتش نیرومندی را تشکیل می دهند که متجاوزین را با مشکلات زیادی روبرو خواهند ساخت . البته طبیعتاً که عملیات جنگی در داخل شهر . آن تحرک و قابلیت انعطافی را که عملیات جنگ پارتیزانی دهقانان از آن برخوردار است ندارد . این جنگ تلفات بیشتری نیز دربر خواهد داشت . دشمن در اینجا نیز تانک وارد صحنه‌ی جنگ خواهد کرد . رزمندگان ما که نقطه‌ی ضعف تانک را بخوبی می شناسند آنها را بدون ترس و واهمه نابود خواهند کرد . هر موقعیتی در مبارزه به فداکاری زیادی نیز از ما طلب می کند .

در مجاورت واحدهای مسلح دهقانان و کارگران واحدهای رزمنده‌ی دیگری نیز وجود دارد مانند واحدهای چریک دانشجویی . در این واحدها شایسته‌ترین نمایندگان جوانان دانشجوی سازمان یافته و باهم متحد شده‌اند . این واحدها نیز تحت رهبری ارتش انقلابی عملیات انجام خواهند داد . گروههای دیگر سازمانهای جوانان و حتی سازمان‌های زنان نیز به این جنگ ملحق خواهند شد زیرا در مبارزه‌ی رهایی بخش بی تردید اینان نقش عظیمی بر عهده خواهند داشت . مثلاً " زنان کمکهای گرانبهایی به مردان خواهند کرد . غذا آماده می کنند ، زخمی شدگان را پرستاری می کنند . یک کلام : در این روزهای خطیر چریکهای زن نیز دوش به دوش

مردان در صف مقدم جبهه قرار خواهند گرفت .

از طریق کار آموزشی و تربیتی صبورانه و پر حوصله‌ی ایدئولوژیک که بطور وسیع پایه‌ریزی شده‌است به تمام این موفقیت‌ها نائل خواهیم شد . در این جریان سخن بر سر اینست که به سراسر خلق دانش اساسی اولیه آموخته شود که بر سنتهای خلق متکی است و با وظایف کنونی انقلابی پیوستگی کامل و صمیمانه دارد .

در این رابطه لازم است تمام قوانین و مقررات انقلابی ما در همه جا مورد مطالعه قرار گیرد و توضیح داده شده مورد تفسیر قرار گیرد . علاوه بر این ، ضرورت دارد که سخنرانی‌های رهبران جنبش انقلابی ما برای توده‌های خلق ایراد گردد و بدین ترتیب با آنان سخن گفت . با این روش موفق خواهیم شد که توده‌ها را پیوسته در جریانات اوضاع قرار دهیم و توده‌ها از آنها اطلاع یابند . ما باید مراقب باشیم که اهالی در مناطق روستائی سخنرانی‌های بسیار عالی و همه کس فهم فیصلد کاسترو را از طریق رادیو بشنوند ، و در مناطقی که امکانش وجود دارد سخنرانی‌های او را از طریق تلویزیون مشاهده کنند . ما باید قوانین و مقرراتی را که متناسب با منافع و خواسته‌های خلق است بطور پیگیر برای آنان توضیح دهیم . همچنین بسیار مبرم است که هشیاری انقلابی را در توده‌ها ارتقاء دهیم و به آنان بیاموزیم که توطئه‌های دشمنان را باز شناسند . هر رزمنده موظف است به روحیه و اخلاق انقلابی سخت توجه مبذول دارد . توجه به این امر بسیار ضرور است زیرا در غیر این صورت انقلاب به راه خطرناکی خواهد افتاد .

هرگاه پارتیزان روحیه و اخلاق انقلابی را نقض کند پاداش‌ها و افتخاراتی که در انقلاب بدست آورده است حداکثر می تواند جرمش را سبک تر کند ولی هرگز او را از کیفر معاف نخواهد ساخت . شیوه رفتار و منش نوین در باره کار باید بوسیله‌ی مابه وسیع ترین وجه ممکن تبلیغ شود - مخصوصاً " در مورد کار کولکتیو برای سراسر خلق .

در این مورد ما باید رشد و شکوفندگی بریگاردهای داوطلب را - که در آنها انسانهای علاقمند ، عشق خود را نسبت به انقلاب از طریق ساختن خیابانها ،

پل‌ها، آسیاب‌ها، مدرسه‌ها، کودکانها و غیره عملاً " بمنصه‌ی ظهور می‌رسانند۔
بیش از پیش تشویق و ترغیب کنیم .

ولی ارتش ما که بطور ارگانیک با خلق ما متحد شده است و از دهقان‌ها و
کارگران تشکیل یافته و تعلیمات مناسب و خوبی یافته است بی تردید شکست‌ناپذیر
خواهد بود . شکست‌ناپذیری ارتش ما یقین‌تر و اطمینان‌بخش‌تر خواهد بود هرگاه
ارتش و خلق ما گفتار کامیلوی فناپذیر و جاودانی ما را پیوسته بیشتر در مد نظر
داشته باشد :

" ارتش ما خلق ماست در لباس اونیفرم "

از اینرو "نمونه‌ی بد" ما که انحصارگران مایلند پیوسته بر زبان آورند و بدین
نیرنگ کوبای ما را نابود کنند در آینده باز هم بیشتر بر سراسر خلقهای امریکای
لاتین پرتو افکن خواهد شد .

تکثیر از: کمونیستهای انقلابی

www.k-en.com
info@k-en.com